

زمزم آب شفا بخش

تألیف:

دکتر حسین تاجی گله داری

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaiislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم
فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۳
تاریخچه آب زمزم.....	۴
عبد المطلب و حفر مجدد چاه زمزم.....	۱۰
چاه زمزم و سرچشمه‌های آن.....	۱۱
نام‌های زمزم.....	۱۲
فضایل آب زمزم.....	۱۲
ویژگی‌های آب زمزم.....	۱۳
آداب نوشیدن آب زمزم.....	۱۸
فواید نوشیدن زمزم.....	۱۸
از اسرار آب زمزم.....	۱۹
شگفتی‌های آب زمزم.....	۲۰
آب زمزم در آزمایشگاه‌های جهانی.....	۲۱
علاج با آب زمزم.....	۲۴

پیشگفتار

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه أجمعين:

آب زمزم بهترین آب روی زمین است و اکنون بیش از پنج هزار سال، از ظهور این آب گوارا و شفا بخش، از زمان حضرت اسماعیل عليه السلام تا کنون می‌گذرد، زمزم آبی است که خداوند آن را به عنوان هدیه به مؤمنانی که از دور دست برای زیارت خانه‌اش مشرف می‌شوند، ارزانی داشته است، و دارای فواید بسیاری است، برخی از فواید آب زمزم این است که خستگی را از بین می‌برد، و بدن را تقویت می‌کند، مشاهده می‌کنیم که زائران خانه‌ی خدا بعد از طواف و خستگی، هنگامی که آب زمزم را می‌نوشند، احساس خستگی از آنان دور می‌شود و فعال‌تر می‌شوند. در این کتاب مختصر سعی نموده‌ایم که برخی از فضایل، آداب، و یژگی و خصوصیات آب زمزم را ذکر نماییم، امید است که مورد استفاده عزیزان قرار بگیرد، و از خداوند سبحان مسئلت دارم که این عمل را از بنده بپذیرد.

خادم العلم والعلماء

دکتر حسین تاجی گله داری

۱۵ شعبان ۱۴۲۹ هـ

برابر با ۲۶ مردادماه ۱۳۸۷ش

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

تاریخچه آب زمزم

داستان ظاهر شدن آب زمزم با داستان و سرگذشت حضرت ابراهیم و همسرش هاجر و فرزندشان حضرت اسماعیل ارتباط دارد، حضرت ابراهیم علیه السلام به دستور خداوند، همسرش هاجر و فرزندش اسماعیل را که تازه متولد شده بود، از سرزمین کنعان (فلسطین) به سرزمین خشک و سوزان فاران (مکه) که نه جاننداری، نه آب و علفی داشت، درمیان دره‌های کوهستانی، منتقل کرد، آنها هیچ زاد و توشه‌ای بجز یک مشک آب و کیسه‌ای خرما چیزی نداشتند، حضرت ابراهیم علیه السلام آن دو را کنار درخت بزرگی در نزدیکی مکان کعبه گذاشت، سپس از مکه خارج شد، چون قصد برگشتن نمود، همسرش بدنبال او براه افتاد، و گفت: ای ابراهیم ما را در این بیابانی که هیچ کس و هیچ چیز وجود ندارد، رها می‌کنی و کجا می‌روی؟ هاجر چندین بار سخن خویش را تکرار کرد، اما از ابراهیم علیه السلام جوابی نشنید، آنگاه هاجر گفت: آیا خداوند به تو چنین دستور داده‌است؟ حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: بله، هاجر گفت: در این صورت خداوند ما را ضایع نمی‌کند. آنگاه حضرت ابراهیم علیه السلام به راهش ادامه داد، تا این که از دید آنان ناپدید گردید، پس دست دعا و تضرع به درگاه خدای بی‌نیاز بلند کرد، و عرضه داشت:

﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْعِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ﴾ [ابراهیم: ۳۷].
«پروردگارا! من (برخی) از فرزندانم را در وادی (خشک) و بی‌آب و بی‌گیاه، نزد خانه گرامی تو ساکن ساختم. پروردگارا! تا نماز را بر پا دارند، پس تو دل‌های (گروهی) از مردم را به آنها مایل بگردان و از میوه‌ها به آنها روزی ده، باشد که آنان سپاس گزارند».

هاجر و اسماعیل علیه السلام تنها ماندند، هاجر از آن آبی که همراه داشت می‌نوشید، و از آن خرما می‌خورد، و کودکش را شیر می‌داد، تا اینکه پس از اندک زمانی آب همراه هاجر

تمام شد، و تشنگی بر آنها غالب شد، تشنگی فرزند، مادر را به تلاش برای یافتن آب واداشت، پس برای جستجوی آب به هر سوی می‌دوید، شاید که کسی را بیابد یا اینکه جرعه آبی پیدا کند، پس کوه صفا از همه نزدیکتر بود، بنابراین هاجر در پی آب به فراز کوه صفا رفت، ولی چیزی نیافت، سپس از صفا پایین آمد، و دوان دوان به فراز کوه مروه رفت، آنجا نیز چیزی نیافت و کسی را ندید، و این فاصله‌ی میان دو کوه صفا و مروه را هفت بار پیمود، و تا آنجا که توانست سعی کرد، اما تلاش و سعی‌اش بی‌نتیجه بود، تا اینکه به معجزه الهی به ناگاه در کنار حضرت اسماعیل چشمه آبی ظاهر شد و فواره زد، هاجر، از ترس اینکه آن آب به درون زمین فرو رود، مقدار خاک و شن را اطراف آن ریخت، و آب را در آنجا نگاه داشت، سپس مشک خود را پر کرد، و به فرزندش داد و خود نوشید، این چشمه‌ی مبارک زمزم نام گرفت، و به هاجر و فرزندش حیات دوباره بخشید.

پس از مدتی قبایل «جرهم» که از آنجا می‌گذشتند، متوجه شدند که در این منطقه آبی وجود دارد، لذا آنان با کسب اجازه از مادر اسماعیل، در کنار این چشمه که به چاهی تبدیل شده بود و آب فراوان داشت، سکونت گزیدند.

حضرت اسماعیل علیه السلام بزرگ شد، و با یکی از دختران جرهمی ازدواج کرد، و سپس با پدرش حضرت ابراهیم علیه السلام خانه‌ی کعبه را بنا کردند، پس از چندی قبایل کنانه و خزاعه نیز در جوار کعبه ساکن شدند، جرهمیان حرمت کعبه و حرم را پایمال کردند، آنگاه خداوند آب زمزم را از جوشش انداخت و خشک کرد، سپس کنانه و خزاعه، جرهمیان را بیرون راندند، و خود بر سرزمین مکه مسلط گردیدند^(۱).

امام بخاری رحمت الله علیه داستان حضرت ابراهیم و همسرش هاجر و فرزندشان اسماعیل علیه السلام را در کتاب صحیح از زبان عبدالله بن عباس رضی الله عنه چنین نقل می‌کند:

۱- به البداية والنهاية ابن کثیر (۲۲۱/۱-۲۲۴) و تاریخ طبری (۱۵۲/۱-۱۵۵) و سبل الهدی والرشاد (۱/۱۸۷) و اخبار مکه فاکهی (۶/۲) رجوع شود.

ابن عباس رضی الله عنه می گوید: اولین بار که زنان از شال کمر استفاده کردند به تقلید از مادر اسماعیل (هاجر) بود. وی شال کمر، استفاده کرد تا رد پایش را از بین ببرد و ساره آنرا نبیند. سپس، ابراهیم علیه السلام هاجر و فرزندش، اسماعیل را که شیرخواره بود، برد و در نزدیکی بیت الله زیر درخت بزرگی که بالاتر از زمزم در قسمت علیای مسجد، قرار داشت، گذاشت. در آن زمان، در مکه، احدی وجود نداشت و آب نبود. ابراهیم علیه السلام آنها را با یک کیسه خرما و یک مشک آب، همانجا رها کرد. سپس، به آنها پشت کرد و براه افتاد. مادر اسماعیل، بدنبال او براه افتاد و گفت: ای ابراهیم! ما را در این بیابانی که هیچ کس و هیچ چیزی وجود ندارد، رها میکنی و کجا می روی؟ و چندین بار، این جمله را تکرار کرد. اما ابراهیم علیه السلام به او توجه نمی کرد. آنگاه، هاجر گفت: آیا خداوند به تو چنین دستوری داده است؟ ابراهیم گفت: بلی. هاجر گفت: در این صورت، خداوند ما را ضایع نخواهد کرد. سپس برگشت. ابراهیم علیه السلام به راهش ادامه داد تا اینکه به گردنه کوه، جایی که دیگر آنها او را نمی دیدند، رسید. آنجا رو بسوی کعبه کرد و دستهایش را بلند نمود و چنین دعا کرد: پرودگارا! من زن و فرزندم را در سرزمین بدون کشت و زرع در کنار خانه تو که (تجاوز به) آنرا حرام ساخته ای، ساکن کرده ام تا نماز را بر پای دارند. پس تو دلهای گروهی از مردم را بسوی آنان متمایل کن و آنها را از میوه ها، روزی عطا فرما، باشد که سپاس گزاری کنند.

و هاجر نیز اسماعیل را شیر می داد و از آن آب، می نوشید تا اینکه آب مشکاش، تمام شد. آنگاه، او و فرزندش، تشنه شدند. او فرزندش را می دید که از (شدت تشنگی) به خود می پیچد و یا پاهایش را به زمین می زند.

هاجر که نمی توانست شاهد دیدن این صحنه باشد، براه افتاد و بالای کوه صفا که آنرا نزدیک تر یافت، رفت و در آنجا ایستاد و بسوی رودخانه نگاه کرد که آیا کسی را می بیند؟ ولی کسی را ندید. سپس، از کوه صفا پایین آمد تا به رودخانه رسید، آنگاه گوشه پیراهنش را بالا کشید و مانند کسی که دچار مشکل شده باشد، دوید تا اینکه از رودخانه

گذشت. سپس، بالای کوه مروه رفت و آنجا ایستاد و نگاه کرد که آیا کسی را می‌بیند؟ ولی کسی را ندید. و هفت بار، این عمل را تکرار نمود.

ابن عباس رضی الله عنه می‌گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «پس به همین خاطر است که مردم بین صفا و مروه، سعی می‌کنند».

سر انجام هنگامی که مُشْرِف بر کوه مروه شد، صدایی شنید. به خود گفت: ساکت باش. آنگاه خوب، گوش فرا داد. دوباره همان صدا را شنید. سپس گفت: صدایت را به گوشم رسانیدی. اگر می‌توانی به من، کمک کن. ناگهان، فرشته‌ای را کنار جایگاه زمزم دید که با پایش و یا بالش به زمین می‌زند تا اینکه آب، بیرون آمد. سپس هاجر، آب را جمع کرد و با دستش، جلوی آن را گرفت. و از آن آب، بر می‌داشت و در مشک می‌ریخت. و پس از هر بار برداشتن، آب همچنان فوران می‌کرد.

ابن عباس رضی الله عنه می‌گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «خداوند، مادر اسماعیل را رحمت کند، اگر او زمزم را رها می‌کرد» یا اینکه فرمود: «اگر او از آن آب برنمیداشت، زمزم، چشمه‌ای جاری و روان می‌شد».

راوی می‌گوید: او آب نوشید و فرزندش را شیر داد. فرشته به او گفت: از هلاک شدن، نترسید. زیرا اینجا خانه خداست که این پسر و پدر، آن را خواهند ساخت. و خداوند، دوستانش را ضایع نمی‌گرداند. گفتنی است که جای خانه کعبه، زمینی مرتفع و تپه مانندی بود که سیل، از چپ و راست آن، می‌گذشت.

هاجر این گونه، زندگی می‌کرد تا اینکه عده‌ای از قبیله جرهم که از راه کداء می‌آمدند، در قسمت پایین مکه، توقف کردند. و پرنده‌ای را که غالباً دور آب می‌گردد، در آنجا دیدند و گفتند: این پرنده، اطراف آب، دور می‌زند. و از زمانی که ما این رودخانه را می‌شناسیم، آبی در آن، وجود نداشته است. سپس، یک یا دو نفر را فرستادند. ناگهان، آنان آب دیدند و برگشتند و خبر آب را برایشان آوردند. آنان بسوی آب رفتند و در کنار

آب، مادر اسماعیل را دیدند. به او گفتند: آیا به ما اجازه می‌دهی که نزد تو بمانیم؟ گفت: بلی. ولی شما هیچ‌گونه حقی از آب ندارید. گفتند: باشد.

ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مادر اسماعیل که انس گرفتن با مردم را دوست داشت، پیشنهاد آنان را پذیرفت. آنها هم در آنجا توقف کردند و کسانی را برای آوردن خانواده‌هایشان فرستادند. آنان نیز آمدند و در آنجا سکونت گزیدند طوریکه چند خانواده از قبیله جرهم در آنجا جمع شدند.

اسماعیل علیه السلام رشد کرد و نوجوان گردید و عربی را از آنان، فرا گرفت. در این هنگام، مورد پسند آنان واقع شد و آنها او را انسانی با ارزش می‌دانستند. لذا هنگامی که به سن بلوغ رسید، یکی از دخترانشان را به نکاح او در آوردند. و پس از مدتی، مادر اسماعیل، فوت کرد.

سر انجام، بعد از ازدواج اسماعیل، ابراهیم علیه السلام آمد تا خانواده‌اش را که بخاطر خدا، رها کرده بود، سر بزند. پس به خانه اسماعیل آمد ولی او آنجا نبود. از همسرش درباره او پرسید. همسرش گفت: برای کسب رزق ما، بیرون رفته است. سپس، ابراهیم علیه السلام جویای وضع معیشتی و زندگی آنان شد. گفت: وضع ما خیلی بد است. در تنگنا و سختی بسر می‌بریم. و خلاصه اینکه زبان شکوه گشود. ابراهیم علیه السلام گفت: هنگامی که همسرت آمد، به او سلام برسان و بگو تا آستانه دروازه خانه‌اش را تغییر دهد. هنگامی که اسماعیل آمد، بوی آشنایی، احساس کرد. لذا پرسید: آیا کسی نزد شما آمده است؟ گفت: بلی. پیرمردی چنین و چنان، نزد ما آمد و سراغ تو را گرفت. به او گفتم که تو کجا رفته‌ای. و همچنین از وضع زندگی ما پرسید. به او گفتم که در سختی و مشقت بسر می‌بریم. اسماعیل گفت: آیا به تو سفارشی کرد؟ گفت: بلی، به من دستور داد که به تو سلام برسانم و گفت: آستانه درب خانه‌ات را عوض کن. اسماعیل گفت: او پدر من است و دستور داده‌است تا از تو جدا شوم. پس نزد خانواده‌ات برو. این‌گونه او را طلاق داد و با زنی دیگر از آن قبیله، ازدواج کرد. ابراهیم علیه السلام برای مدتی که خدا می‌خواست، نزد آنان نیامد. سپس آمد

و بار دیگر، اسماعیل را نیافت. نزد همسرش رفت و سراغ اسماعیل را گرفت. گفت: به طلب روزی، بیرون رفته است. پرسید: حال شما چطور است؟ و جویای وضع معیشتی و زندگی آنان شد. گفت: ما در رفاه و آسایش بسر می‌بریم و خدا را ستایش نمود. ابراهیم پرسید: غذای شما چیست؟ گفت: گوشت. پرسید: آشامیدنی شما چیست؟ گفت: آب. ابراهیم علیه السلام دعا کرد و گفت: خدایا! در گوشت و آب آنان، برکت عنایت فرما.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آن زمان، در مکه، حبوباتی وجود نداشت و گر نه برای آنها نیز دعای برکت می‌نمود. بدینجهت هرکس، بیرون از مکه، تنها به خوردن گوشت و آب اکتفا کند، برایش ناسازگار خواهد شد».

ابراهیم علیه السلام گفت: هنگامی که همسرت آمد، به او سلام برسان و بگو: آستانه در خانه‌ات را محکم نگه‌دار. وقتی که اسماعیل آمد، پرسید: آیا کسی نزد شما آمده است؟ گفت: بلی، پیرمردی خوش قیافه نزد ما آمد که دارای چنین صفات خوبی بود. آنگاه، سراغ تو را گرفت. به او گفتم که تو کجا رفته‌ای. سپس از وضع زندگی ما پرسید. به او گفتم که ما در آسایش بسر می‌بریم. اسماعیل پرسید: آیا به تو وصیتی کرد؟ گفت: بلی، به تو سلام رساند و دستور داد تا آستانه درب خانه‌ات را محکم نگه‌داری. گفت: او پدر من بوده است و منظور از آستانه در، تویی. به من دستور داده‌است تا با تو زندگی کنم.

سپس، ابراهیم علیه السلام برای مدتی که خدا می‌خواست نزد آنان نیامد. بعد از آن، زمانی آمد که اسماعیل، نزدیک زمزم و زیر درخت بزرگ، مشغول تراشیدن و ساختن تیری بود. هنگامی که پدرش را دید، برخاست و بسوی او رفت. و رفتاری را که شایسته پدر نسبت به فرزند، و فرزند، نسبت به پدر بود، انجام دادند. سپس، ابراهیم علیه السلام گفت: ای اسماعیل! خداوند مرا به انجام کاری، امر کرده است. اسماعیل گفت: آنچه را که پرودگارت به تو دستور داده‌است، انجام بده. گفت: آیا تو به من کمک می‌کنی؟ گفت: کمکات می‌کنم. گفت: همانا خداوند به من دستور داده‌است تا اینجا خانه‌ای بسازم. و با دستش به سوی تپه‌های مرتفع اطرافش، اشاره کرد. راوی می‌گوید: اینجا بود که پایه‌های خانه خدا را بنا

نهادند. اسماعیل علیه السلام سنگ می آورد و ابراهیم علیه السلام بنایی می کرد. و هنگامی که دیوارهای آن، بالا می آمد، اسماعیل این سنگ (که به مقام ابراهیم علیه السلام معروف است) را آورد و ابراهیم علیه السلام بر آن، ایستاد و بنایی می کرد و اسماعیل به او سنگ می داد. و هر دو چنین دعا می کردند ﴿رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [البقرة: ۱۲۷]. یعنی: «پرودگارا! از ما بپذیر. همانا تو شنوا و دانایی»^(۱).

عبد المطلب و حفر مجدد چاه زمزم

همچنانکه ذکر نمودیم، خداوند زمزم را از جوشش انداخت و خشک کرد، به طوری که مکان آن نیز محو گردید، و تا دوران عبد المطلب جد بزرگوار رسول خدا صلی الله علیه و آله مخفی بود، عبد المطلب شبی در خواب دید که به او گفته می شود: «بره» (یکی از نام های زمزم است) را حفر کن، و فردا باز در خواب دید، که به او می گویند: «مضنونه» (از نام های زمزم است) را حفر کن، در روز سوم نیز به گفته شد: «طیبه» (نام دیگر زمزم) را حفر کن، و در روز چهارم در خواب دید که به او گفته شد: «زمزم» را حفر کن. آنگاه در خواب جایگاه زمزم به وی نشان داده شد.

پس عبد المطلب قریش را در جریان گذاشت، و آنگاه خود با کمک فرزندش «حارث» همان نقطه ی خاص را حفر کردند، بعد از اینکه مقداری حفر نمودند، ناگهان آب فواره زد و بالا آمد، و چشمه ی زمزم بار دیگر ظاهر شد، و عبدالمطلب در کنار آن حوضی ساخت، و حاجیان و زایران خانه ی خدا از آب زمزم می نوشیدند، و سقایت حاجیان را به عهده گرفت، و در هنگام ظهور اسلام سقایت حجاج در دست عباس بن

عبدالمطلب، عموی پیامبر ﷺ بود^(۱).

چاه زمزم و سرچشمه‌های آن

بیش از پنج هزار سال، از ظهور آب گوارا و شفا بخش زمزم، از زمان حضرت اسماعیل علیهما السلام تا کنون می‌گذرد.

و از زمان حفر دوباره در زمان عبدالمطلب تا کنون حاجیان از آن بهره‌مند می‌شوند، چاه زمزم در قرب کعبه مشرفه واقع است، اما اکنون در طبقه زیر زمینی مطاف در عمق ۱/۵۶ متری قرار دارد، و در فاصله نزدیک کعبه و مقام ابراهیم، در سمت چپ، سنگی دایره‌ای شکل قرار دارد که بر آن نوشته شده: «بئر زمزم» (چاه زمزم). بعد از توسعه‌ی جدید حرم در دوران ملک فهد پادشاه سعودی، سالن‌های جداگانه‌ای برای زنان و مردان، در طبقه زیر زمین مطاف ساخته شده و زائران از آن شیرهای آب که آنجا نصب شده استفاده می‌کنند.

چشمه‌های که چاه زمزم را تغذیه می‌کنند، عبارت از سه چشمه است:

- چشمه‌ای در مقابل رکن اسود (حجر الاسود).

- و چشمه‌ای در مقابل کوه ابو قیس و صفا.

- و چشمه سومی در مقابل مروه قرار دارد^(۲).

در سال ۱۴۰۰ هجری شمسی، تیمی از مهندسين به سرپرستی مهندس یحیی کوشک، هنگام پاکسازی چاه زمزم، توانستند که اندازه‌های دقیقی از عمق چاه زمزم و همچنین سرچشمه‌های آن بدست آورند.

مهندس یحیی کوشک می‌گوید:

۱- اخبار مکه فاکهی (۱۳/۱) و اخبار مکه ازرقی (۴۴/۲) و البداية والنهاية ابن کثیر (۳۲۱/۲) و سبل الهدی (۱۸۷/۱-۱۸۹) و روض الأنف سهیلی (۱۶۶/۱).

۲- اخبار مکه ازرقی (۶۱/۲) و اخبار مکه فاکهی (۷۴/۲) و فضل ماء زمزم، سائد بکدش (ص ۳۶).

سرچشمه اصلی چاه زمزم، از سمت کعبه، از طرف حجر الاسود است که طول آن ۴۵ سم و ارتفاع آن ۳۰ سم است، و بیشترین آب از همین ناحیه می‌جوشد. سرچشمه دومی آب زمزم، روزنه‌ای بزرگی در جهت مکبریه (اجیاد) می‌باشد، که طول آن ۷۰ سم است، و در داخل به دوشاخه تقسیم می‌شود، و ارتفاع آن ۳۰ سم است، و همچنین روزنه‌ها و سرچشمه‌های کوچکی نیز در بین سنگ‌های دیواره‌های چاه قرار دارد، که آب از بین آنها نیز بیرون می‌آید، پنج تا از اینها در بین دو سر چشمه و روزنه‌ی اساسی قرار دارند که به اندازه‌ی یک متر است، همچنین ۲۱ روزنه‌ی دیگر وجود دارد که از کنار روزنه‌ی اصلی آغاز می‌شود، و به سمت کوه ابی‌قیس و صفا می‌باشد^(۱).

نام‌های زمزم

آب زمزم، نام‌های زیادی دارد، و کثرت اسم بر شرف و بزرگی مسمی دلالت می‌کند، از آنجایی که آب زمزم بهترین آب بر روی زمین است، و آب شفا بخش و مبارکی است، دارای اسامی بسیاری می‌باشد، از نام‌های آن:

برکه، بره، بشری، هزمه جبریل، حفیره عبدالمطلب، طیه، مضمونه، سقیا اسماعیل، نافعه، میمونه، صافیه، شباعه، طاهره، طیه ... می‌باشد^(۲).

فضایل آب زمزم

درباره‌ی اهمیت و فضیلت آب زمزم، و فضیلت نوشیدن آن روایات بسیاری از پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد ﷺ نقل شده است که ما در اینجا به برخی از آن روایات اشاره می‌کنیم:

۱- زمزم، یحیی کوشک (ص ۶۱) و فضل زمزم بکدش (ص ۳۷).

۲- ر.ک. فضل ماء زمزم (ص ۴۱) وسبل الهدی (۱/۱۸۵) و اخبار مکه فاکهی (۲/۶۸).

* ابوذر رضی الله عنه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّهَا مُبَارَكَةٌ إِنَّهَا طَعَامُ طُعْمٍ». «زمزم، آب مبارکی است، و غذایی است که گرسنه را سیر می کند»^(۱).

* در روایت دیگر آمده است: «زمزم، غذایی برای گرسنه، و شفایی برای بیماری است»^(۲).

* و عبدالله بن عباس می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آب زمزم، بهترین آب روی زمین است»^(۳).

عبد الله بن عباس رضی الله عنهما روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آب زمزم برای آن چیزی است که نوشیده شود، پس اگر برای طلب شفا، آن را نوشیدی، خداوند به توشفا می بخشد، و اگر برای سیر شدن نوشیدی، خداوند تو را سیر می گرداند، و اگر برای رفع تشنگی نوشیدی، خداوند تشنگی تو را برطرف می سازد، آن گودال جبریل، و نوشیدنی خداوند برای حضرت اسماعیل است»^(۴).

ویژگی های آب زمزم

۱- آب زمزم از نظر ترکیب دارای ویژگی خاصی است، از زمان بوجود آمدنش تا کنون دارای ترکیبات معدنی یکسان بوده است، علی رغم استفاده مدام از آب زمزم تا به حال این چاه خشک نشده است.

مهندس سامی عنقاوی مدیر مرکز (ابحاث) تحقیقات حج می گوید: ما در هنگام توسعه جدید حرم، مشغول حفاری چاه زمزم بودیم، هر چه آب را بیرون پمپاژ می کردیم،

۱- امام مسلم در کتاب صحیح (۲۴۷۳) روایت کرده است، این حدیث طولانی است، در آن داستان ابوذر ذکر شده که وی بمدت یکماه در مکه پنهان بود؛ و بجز آب زمزم، آب و غذایی نداشت.

۲- طبرانی در معجم کبیر (۱۱۱۶۷) و اوسط (۳۹۱۲) روایت کرده است.

۳- طبرانی در معجم صغیر (۲۹۵) و بیهقی درسین کبری (۱۴۷/۵) روایت کرده اند.

۴- حاکم در مستدرک (۶۴۶/۱) و دارقطنی در سنن (۲۸۹/۲) روایت کرده اند.

باز جوشش آب بیشتر می‌شد، ناچار شدیم سه پمپ بزرگ برای تخلیه آب نصب کنیم، تا اینکه بتوانیم اساس آن را پایه ریزی کنیم، آنگاه از سر چشمه‌های اصلی زمزم نمونه برداشتیم، تا آزمایش‌های لازم را به عمل آوریم که آیا حاوی میکرب است؟ یا خیر؟ بنابر این به این نتیجه رسیدیم که خالی از میکرب می‌باشد، و یک عدد میکرب هم در آن نیافتیم! پاک و تمیز است، ولی گاهی اوقات هنگام استفاده از آب زمزم که در گالون یا دلو ریخته می‌شود، یا از کانال لوله کشی عبور می‌کند، امکان آلوده شدن دارد، اما خود آب در ذات خودش هیچ‌گونه آلودگی یا میکرب ندارد، و این ویژگی آب زمزم است^(۱).

۲- آب زمزم بهترین آب روی زمین است.

این بخشی از حدیث پیامبر خدا ﷺ است که در صفحات گذشته ذکر نمودیم.

۳- آب زمزم بوسیله‌ی امین وحی حضرت جبریل علیهِ السلام برای نوشیدن پیامبر گرامی حضرت اسماعیل علیهِ السلام آشکار شده است.

۴- آب زمزم در مقدس‌ترین سرزمین و در کنار خانه‌ی خدا، در حرم مکه، نزد رکن و مقام جوشیده است.

۵- آب زمزم، آبی است که قلب مطهر مصطفی ﷺ را با آن شستشو داده‌اند.

انس بن مالک رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا ﷺ (در دوران کودکی) با کودکان مشغول بازی بود، جبریل علیهِ السلام آمد، او را گرفت و خواباند، سپس سینه‌اش را شکافت... آنگاه آن را با آب زمزم، در تشت طلایی شستشو داد...^(۲).

همچنین در واقعه‌ی اسراء و معراج، قلب پاک رسول خدا ﷺ با آب زمزم شستشو داده شده است. در حدیث آمده : «...جبریل آمد، آنگاه سینه‌ام را شکافت، سپس با آب زمزم شست...»^(۳).

۱- ماء زمزم معجزات و اسرار (ص ۵۵).

۲- صحیح مسلم (۲۶۱)

۳- صحیح بخاری (۳۴۹) و همچنین به فتح الباری (۴۶۰/۱ و ۴۸۱/۱۳) رجوع شود.

۶- آب زمزم از آیات بینات (نشانه‌های واضح) و معجزات الهی در حرم مکه می‌باشد، که از زمان حضرت اسماعیل علیه السلام تا کنون این چاه جریان داشته و سالی صدها هزار نفر از آن بهره برداری می‌کنند.

۷- آب زمزم، آبی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آب دهان مبارکشان را در آن انداخته‌اند، و به برکت آن افزوده شده است.

عبدالله بن عباس می‌گوید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کنار چاه زمزم تشریف آوردند، پس دلو آبی را برای ایشان کشیدیم، نوشیدند، سپس در آن آب دهان انداختند، آنگاه ما آن آب را چاه زمزم ریختیم...»^(۱).

در روایت دیگر:

«آنگاه نوشیدند و مضمضه کردند، سپس آب دهان خود را در دلو انداختند، آنگاه دستور دادند آن را درون چاه بریزند»^(۲).

وائل بن حجر می‌گوید:

«دلوی از آب زمزم، خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورده شد، پس مضمضه (آب را در دهان) کردند، آنگاه آب دهان را در آن انداخت، (سپس در چاه ریخت)^(۳). از بوی مشک خوشبوتر بود^(۴)، بوی مشک از آن برخاست»^(۵).

و در روایت دیگر آمده: «پس نوشید، سپس وضو گرفت، و مضمضه کرد، آنگاه در دلو ریخت...»^(۶).

۱- امام احمد (۳۷۲/۱) روایت کرده است، و اسنادش صحیح می‌باشد.

۲- ازرقی در اخبار مکه (۵۴/۲) بصورت مرسل آورده است، به معجم کبیر طبرانی (۱۰۹۷۲) و نصب الراية (۹۹/۳) رجوع شود.

۳- مسند احمد (۳۱۵/۴) و معجم کبیر طبرانی (۵۱/۲۲)

۴- امام احمد (۳۱۸/۴) و ابن ماجه (۶۵۹) روایت کرده‌اند، و حسن می‌باشد.

۵- امام احمد (۳۱۸/۴) و ابن ماجه (۶۵۹) روایت کرده‌اند، و حسن می‌باشد.

۶- مسند حمیدی (۸۱۶)

پس برکت و خاصیت آب دهان مبارک رسول خدا ﷺ بر برکت و خاصیت زمزم افزوده است.

۸- آب زمزم غذایی برای گرسنه است، خداوند این ویژگی را در آب زمزم قرار داده است که گرسنه را سیر می گرداند، و جای غذا را می گیرد، از داستان هاجر و اسماعیل علیهما السلام چنین می فهمیم که خداوند این آب مبارک را غذا و آب آنان قرار داده بود. حافظ ابن حجر می گوید: در حدیث ذکر شده که هاجر بر همان حال خودش بود تا اینکه کاروانی از قبیله ی جرهم از آنجا گذر کردند.... از این دانسته می شود که هاجر با آب زمزم خود را تغذیه می نمود، و او را از غذا و آب بی نیاز می کرد^(۱).

و در داستان مسلمان شدن ابوذر آمده است که وی بمدت یکماه در مکه میان پرده کعبه پنهان بود، و می خواست که با پیامبر خدا ملاقات کند، و در این مدت فقط از آب زمزم می نوشید، ابوذر می گوید: رسول خدا ﷺ با یارش آمد و حجر اسود را استلام کرد، سپس خانه کعبه را طواف نمود، آنگاه نماز خواند، هنگامی که از نمازش فارغ شد، عرض کردم: السلام عليك يا رسول الله، فرمود: «وعليك ورحمة الله» سپس فرمود: «چه کسی هستی؟» عرض کردم: از قبیله ی غفار.... سپس فرمود: «از چه مدت تو در اینجا بودی؟» عرض کردم: از ۳۰ شبانه روز، فرمود: «چه کسی به تو غذا می داد؟» عرض کردم: غذایی جز آب زمزم نداشتم، و چنان چاق و فربه شده ام که گوشت شکم از فربهی روی هم خمیده است، و هیچ اثری از گرسنگی در بدنم احساس نمی کنم. فرمود: «آری، آن آب مبارکی است، و آن غذایی برای گرسنه است»^(۲).

امام ابن قیم در کتاب زاد المعاد می نویسد: من کسی را دیدم که ایام زیادی، تقریباً یکماه و نیم یا بیشتر فقط با آب زمزم تغذیه می نمود، و اصلاً احساس گرسنگی نمی کرد،

۱- فتح الباری (۴۰۳/۶)

۲- صحیح مسلم (۲۴۷۳)

و همراه با سایر مردم نیز طواف می‌کرد، و به من گفت: گاهی اوقات تا چهل روز به همین حالت باقی می‌مانم.^(۱)

۹- آب زمزم شفای هر دردی است

خداوند بزرگ در این آب مبارک، خاصیت شفا بخش را قرار داده است، پس کسی که به نیت شفا این آب را بنوشد، خداوند تبارک و تعالی او را از هر بیماری شفا می‌بخشد. در حدیث گذشت که: «زمزم بهترین آب روی زمین است، غذایی برای گرسنه و شفای بیماری است».

ابوذر رضی الله عنه روایت میکند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «زمزم، غذایی برای گرسنه، و شفای بیماری است».^(۲)

و در دنباله‌ی حدیث ابوذر که امام مسلم روایت کرده است: «إِنَّهَا مُبَارَكَةٌ إِنَّهَا طَعَامٌ طُعِمَ». حافظ ابن حجر می‌گوید: طیالسی افزوده است: «وَشِفَاءٌ سُقْمٍ» «و شفای هر بیماری است».^(۳)

لفظ حدیث «وَشِفَاءٌ سُقْمٍ» شفای بیماری است، هر بیماری را شامل می‌شود. و همچنین حدیثی که ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده: «زمزم برای آن چیزی است که نوشیده شود، اگر برای طلب شفا نوشیدی، خداوند تو را شفا می‌بخشد...».^(۴)

۱- زاد المعاد (۳۵۶/۴)

۲- بزار روایت کرده است (الترغیب والترهیب منذری ۲/۲۰۹)

۳- فتح الباری (۴۹۳/۳)

۴- مستدرک حاکم (۱/۶۴۶) و سنن دارقطنی (۲/۲۸۹)

حضرت رسول خدا ﷺ آب زمزم را به بیماران می‌داد، و بر آنان می‌پاشید^(۱). صحابی بزرگوار عبد الله بن عباس رضی الله عنه، آب زمزم را برای شفا از هر دردی می‌نوشت، و چنین دعا می‌نمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ»^(۲). امام ابن قیم می‌گوید: «من استشفا با آب زمزم را آزموده‌ام، و برای بیماری‌های مختلفی نوشیده‌ام، با فرمان خدا شفا یافت»^(۳).

آداب نوشیدن آب زمزم

- آب زمزم بهترین آب روی زمین است، و نوشیدن آن آدابی دارد:
- مستحب است که در آغاز بسم الله بگوید.
- با دست راست بنوشد.
- ایستاده و رو به قبله بنوشد^(۴)
- هنگام نوشیدن نیت داشته باشد.
- با سه نفس بنوشد.
- بعد از نوشیدن الحمد لله بگوید.
- «تضلع» (بسیار نوشیدن) یعنی: آنقدر بنوشد و سیراب شود تا آنکه آب به اضلاع (دنده‌ها) برسد.

۱- اخبار مکه فاکهی (۴۹/۲) و سنن کبری بیهقی (۲۰۲/۵)

۲- مستدرک حاکم (۴۷۳/۱)

۳- زاد المعاد (۳۲۰/۴)

۴- فقها درباره‌ی نوشیدن زمزم بحالت نشسته و یا ایستاده اختلاف نظر دارند، و راجح این است که نشسته و ایستاده هر دو جایز است.

فواید نوشیدن زمزم

آب زمزم دارای فواید بسیاری است، و از آنجایی که بهترین آب روی زمین است، باید آنقدر نوشید که سیراب شد، از فواید آب زمزم این است که خستگی را از بین می‌برد، مشاهده می‌کنیم که حجاج بعد طواف و خستگی هنگامی که آب زمزم را می‌نوشند، احساس خستگی از آنان دور می‌شود و فعال‌تر می‌شوند. همچنین از دیگر فوایدش این است که سبب تقویت بدن، بخصوص زانو و مفاصل می‌گردد.

حضرت عبد الله بن عباس رضی الله عنه می‌گوید:

«هیچ کسی نمی‌توانست در دویدن از اهل مکه سبقت بجوید، و هر کس با آنان کشتی می‌گرفت، او را به زمین می‌انداختند، و اهل مکه هیچ‌گاه دچار زانو درد نمی‌شدند، تا اینکه از آب زمزم روی گردان شدند، آنگاه بیماری به پاهایشان سرایت کرد و ناتوان شدند»^(۱).

و همانگونه که در حدیث آمده است: «آب زمزم برای آنچه که نوشیده شود، می‌باشد» در زندگی نامه بسیاری از علمای مشهور نوشته شده که آنان آب زمزم را برای علم فراوان و حافظه‌ی قوی نوشیده‌اند و به مرادشان رسیده‌اند.

پس برای هر مقصد و مرادی که آب زمزم نوشیده شود به اذن الهی آن مراد و مقصد برآورده می‌شود، و لیکن به نیت و اخلاص شخص بستگی دارد.

آب زمزم بهترین تحفه‌ای است که از مکه آورده می‌شود، و بهترین هدیه‌ای که به مهمان داده می‌شود.

از اسرار آب زمزم

از اسرار و معجزه الهی در آب زمزم این است که دارای نیرو و معادن بسیاری است، و در صد بالایی از کلرید سودیوم دارد که به ۱۸٪ می‌رسد، و این سبب می‌شود که هنگام نوشیدن کمی احساس نمکین بودن داشته باشد، ولی با این وجود شخصی که می‌نوشد در آن هنگام هیچ‌گونه شور و نمکین بودن را احساس نمی‌کند.

زمزم، چنان ترکیب خاصی دارد که با مرور زمان هرگز مزه و رنگ و بوییش تغییر نمی‌کند، و هیچ‌گونه میکرب و باکتری به آن راه ندارد.

شگفتی‌های آب زمزم

هرچند که برخی کوشش نموده‌اند که آب‌های معدنی شبیه ترکیبات آب زمزم بسازند ولی تمام تلاش و سعی آنان بیهوده بوده است زیرا که آب زمزم ویژگی خاص دارد که خداوند در آن قرار داده‌است.

و علم به اثبات رسانده که آب زمزم باتمام آب‌های جهان فرق دارد، باوجود دانسته شدن برخی از مکونات (عناصر سازنده) خداوند ویژگی خاصی در آن قرار داده و سری در آن نهفته است که به آن پی نبرده‌اند دکتر محمد عزت مهدی استاد علم زمین شناسی درانستیتو تحقیقات زیست شناسی دانشگاه عین شمس قاهره، طی تحقیقاتی که در سال‌های اخیر انجام داده‌است به این نتیجه رسیده که آب زمزم ویژگی‌های منحصر به فرد دارد که آن را از سایر آب‌های جهان ممیز می‌گرداند.

برخی از ویژگی‌های که به آن اشاره نموده عبارت است از اینکه:

آب زمزم هرگز بد بو و گندیده نمی‌شود، مزه، رنگ و بوی آن هرگز تغییر نمی‌کند، و شبیه غسل می‌باشد که عوامل آب و هوا بر آن تأثیر نمی‌گذارد، بر عکس تمام آب‌های دیگر، مانند آب نهرها، دریاها، باران، و آب‌های زیر زمینی، و سبب آن نیز به ترکیبات و

عناصر شیمیایی آن بر می‌گردد که مانع رشد و فعالیت میکرب و باکتری و قارچها می‌شود.

افزون بر آن آب زمزم بهترین و عظیم‌ترین آب معدنی است که در سطح جهان برای علاج و شفا از آن استفاده می‌شود.

از اسرار و شگفتی‌های دیگر زمزم این است که با وجود اینکه دارای املاح زیادی است طعم آن شیرین است، و هنگام نوشیدن شور بودنش محسوس نمی‌شود، اگر این نسبت املاح که در آب زمزم وجود دارد در آب دیگری وجود می‌داشت هرگز قابل شرب نبود^(۱).

آب زمزم در آزمایشگاه‌های جهانی

آب زمزم معجزه الهی است که سالانه بیش از صدها هزار نفر از آن می‌نوشند، در سال ۱۹۷۱ میلادی در زمان حکومت ملک فیصل پادشاه عربستان، یک پزشک مصری چنین ادعا نمود که آب زمزم برای آشامیدن مناسب نیست، زیرا که کعبه در گودی و پایین‌تر از سطح دریا و در مرکز شهر مکه واقع شده است، بنابراین فاضلاب‌های مکه همه بسوی چاه زمزم سرازیر می‌شود و آن را آلوده می‌سازد.

پس هنگامی که شاه فیصل از این موضوع آگاه شد، بلا فاصله دستور داد تا وزارت کشاورزی و منابع آبی نمونه‌ای از آب زمزم را جهت آزمایش و صحت قابل شرب بودنش را به آزمایشگاه‌های اروپا ارسال نمایند این وزارتخانه تصفیه خانه‌ها و نیروگاه‌های موجود در جده را موظف نموده تا این کار را به انجام برسانند، و مهندس معین الدین احمد که به عنوان مهندس شیمی کارمند وزارت کشاورزی بود، موظف گردید که این امر را به انجام برساند.

۱- ماء زمزم اسرار و معجزات (ص ۲۴).

مهندس معین الدین می گوید:

بخاطر دارم که آن زمان هیچ تصویری راجع به این که آب چاه ممکن است به چه صورت باشد، را نداشتیم... هنگامی که به چاه رسیدیم، برایم مشکل بود باور کنم که این چاه که به اندازه یک حوض بود، و ابعادی در حدود ۱۸ در ۱۴ فوت داشت، و هر ساله حاجیان به اندازه میلیونها گالن آب از آن برداشت می کنند همان چاهی است که قرنهای پیش در زمان حضرت ابراهیم علیه السلام بوجود آمده است تحقیقاتم را با اندازه گرفتن ابعاد چاه شروع کردم، سپس از دستیارم خواستم تا عمق چاه را به من نشان دهد، وی ابتدا غسل و خود را تطهیر نمود، سپس به داخل چاه رفت و ایستاد، سطح آب چاه درست تا بالای شانتهایش بود، سپس برای یافتن هرگونه مجرا و لوله ای که آب را به داخل چاه بیاورد، از یک طرف به طرف دیگر چاه رفت، ولی موفق به یافتن هیچ مجرای نشد، فکر دیگری به ذهنم رسید، و آن اینکه ما می توانستیم به وسیله پمپ بزرگی که در چاه نصب شده بود، و برای ذخیره کردن آب زمزم در مخزن می بود، آب را به سرعت کنار بزنیم، بدین صورت عمق آب موجود در چاه کم می شد و می توانستیم مجرا دخول آب را مشاهده کنیم، ولی تعجب آور بود که در زمان پمپاژ کردن آب، چیزی مشاهده نکردیم، اما من به این مسئله واقف بودم که این روش راه حل یافتن ورودی آب به چاه است، لذا تصمیم گرفتیم دوباره این مرحله را تکرار نماییم، ولی این بار به دستیارم گفتم که در یک جا بایستد، و با دقت هر اتفاق غیر معمول را در نظر بگیرد، او پس از مدتی دستانش را بلند کرد و فریاد زد: الحمد لله یافتیم، سپس گفت: در بستر چاه حرکت شنها در زیر پایم، مکانی را که آب از آن تراوش می کند، احساس می کنم، آنگاه او در اطراف چاه قدم زد و همان پدیده را جای جای چاه احساس نمود، در واقع تراوش آب به چاه بطور یک نواخت در هر نقطه از بستر آن وجود داشت و باعث می شد تا سطح آب ثابت بماند.

مهندس معین الدین می افزاید:

پس از تکمیل مشاهداتم نمونه‌هایی از آب چاه را جهت انجام آزمایشات در آزمایشگاه‌های اروپایی برداشتم، و قبل از ترک مکه، پرسش‌هایی را در مورد دیگر چاه‌های موجود در اطراف مکه از مقامات مسئول نمودم، و آنها اظهار داشتند که تمامی آن چاه‌ها تقریباً خشک هستند.

پس از مراجعت به دفترم در جده یافته‌های خویش را برای مدیرم بازگو نمودم و او نیز با علاقه به آنها گوش می‌داد.

نتایج آزمایشات به عمل آمده بر روی نمونه‌های آب زمزم در اینجا و اروپا تقریباً یکسان بود، و تنها اختلاف مشاهده شده بین آب زمزم و دیگر آبها در مقدار کلسیم و منیزیم آن است، که این مقدار در آب زمزم کمی بیشتر بوده و شاید بدین علت باشد که این آب باعث رفع خستگی حایان می‌گردد، اما نکته‌ای که بیشتر حائز اهمیت می‌باشد این است که این آب محتوی فلوراید و دارای خاصیت میکرب کشی قوی می‌باشد، علاوه بر این نتایج آزمایشات به عمل آمده در اروپا نشان می‌دهد که این آب برای آشامیدن بسیار مفید است، از این رو اظهارات دکتر مصری کاملاً رد شد.

هنگامی که نتایج آزمایشات به شاه فیصل گزارش شد، وی بسیار خرسند گردید و دستور داد این مطلب در مطبوعات اروپا منعکس گردد.

در هر حال این مسئله موهبتی شد تا از طریق این تحقیقات به ترکیبات شیمیایی آب زمزم پی ببریم و در حقیقت هر چه بیشتر راجع به آب زمزم تحقیق نمایم شگفتی‌های بیشتری را در آن مشاهده خواهیم کرد، تا آنجا که خود به اعجاز آن پی خواهیم برد، آبی که خداوند به عنوان هدیه به مؤمنانی که از دور دست برای زیارت به این بیابان مشرف می‌شوند، ارزانی داشته است.

در اینجا برخی از ویژگی‌های آب زمزم را به اجمال بیان می‌کنیم:

- علی رغم استفاده مداوم از آب زمزم تا به حال این چاه خشک نشده است.

- آب این چاه از زمان بوجود آمدن تا به حال دارای ترکیبات معدنی یکسان بوده است.
- به گفته زائرانی که برای مناسک حج و عمره به خانه خدا مشرف شده‌اند و از این آب نوشیده‌اند اذعان داشته‌اند که آشامیدن این آب باعث شادابی و رفع خستگی در آنان گردیده است.
- این آب در نقاط مختلف دنیا آزمایش شده و دارای تقاضای بالای در سطح جهان می‌باشد.
- هیچ‌گونه ترکیبات شیمیایی و یا کلر جهت ضد عفونی به این آب اضافه نشده است.
- برخلاف چاه‌های دیگر هیچ‌گونه رشد و زندگی گیاهی و جانوری در این چاه وجود ندارد، و علیرغم آن که این موضوع خود باعث طعم بد و بوی نامطبوع آب می‌گردد، اما آب زمزم بدینگونه نمی‌باشد.^(۱)

علاج با آب زمزم

آب زمزم بهترین آب روی زمین است، و رسول خدا ﷺ آن را شفای بیماری نامیده‌اند، و رسول اکرم ﷺ آب زمزم را بر روی بیماران می‌ریخت و به آنان می‌نوشاند. امام ابن قیم رحمه الله در طب نبوی می‌گوید:

من استشفای با آب زمزم را آزموده‌ام، و برای بیماری‌های مختلفی نوشیده‌ام، و با فرمان خدا شفا یافته‌ام^(۲) در مکه ایامی بر من گذشت که در آنجا بیمار گشتم، و هیچ‌گونه دوا و طبیبی را نیافتم، پس با سوره‌ی فاتحه و آب زمزم خود را مداوا نمودم، بدین صورت که

۱- ماء زمزم معجزات و اسرار (ص ۲۶).

۲- طب نبوی (ص ۳۹۳).

آب زمزم را بر می‌داشتم و چندین بار سوره فاتحه را بر آن می‌خواندم سپس می‌نوشیدم، بنابراین با آن بهبودی و شفای کامل یافتم، بعد از آن برای خیلی از بیماری‌ها بر آن اعتماد می‌کردم و بهترین فایده از آن را می‌دیدم^(۱).

سرگذشت خانم لیلی حلو مغربی، که به بیماری سرطان مبتلا بود، و پزشکان از معالجه‌اش ناتوان شده بودند، مشهور و معروف است، که بوسیله آب زمزم کاملاً شفا یافت، حکایت کامل آن در کتاب‌ها و روزنامه‌ها نوشته شده و همچنین در سایت: رساله الاسلام، و سایت‌های دیگر ذکر شده، و نوار کاست با صدای خودش نیز وجود دارد. همچنین دهها افراد دیگر که از بیماری ضعف بینایی یا درد کلیه و غیره رنج می‌بردند با آب مبارک زمزم شفا یاب شده‌اند.

از آنجایی که رسول خدا ﷺ آب زمزم را شفای درد و بیماری نامیده‌اند، به اغلب بیمارانی که به بنده مراجعه می‌کردند، نوشیدن آب زمزم را توصیه می‌نمودم، و اکثراً نیز نتیجه مطلوبی می‌دیدند، بخصوص بیماری بود که از سنگ کلیه رنج می‌برد و پزشکان برایش عمل جراحی تجویز کرده بودند، الحمد لله با آب زمزم و داروهایی طب نبوی، خداوند به وی شفا بخشید.

و همچنین زن و مردی که از عقم و نازایی شکایت داشتند به فضل خداوند با آب زمزم و کثرت استغفار و تجویز برخی دارو از طب نبوی، دارای نعمت فرزند گردیدند.

۱- طب نبوی (ص ۱۷۸).